

دغدغه برای نلیتیان که منجر به راه‌اندازی گروه «سونا» شد از کجا کلید خورد؟

طرحی داشتیم که برای بچه‌ها شاهنامه خوانی کنیم و آن را به صورت سی‌دی‌های صوتی پیش ببریم. طرحی هم برای بچه‌های نابینا پیش رو داشتیم که متسلفه موفقیت‌آمیز نبود. من و تیما رئیسی قصه‌های شاهنامه را می‌خواندیم اما کارمان هدفمند نبود و از سوی دیگر شناخت درستی از مخطی‌مان نداشتیم، بنابراین کار را به زمینی موکول کردیم که به شناخت بهتری برسیم. حین این پروژه روزی یکی از گوینده‌های نلیتیان را دایو به نام آقای آذرماسوله به من زنگ زد و از من پرسید می‌توانیم باهم اجرا کنیم؟ او فکر می‌کرد من خیلی استقبال نکنم یا وقت این کار را نداشته باشم. ولی من با توجه به پیشینه‌ای که برای تولید آن کتاب صوتی داشتیم بلافاصله پذیرفتم و برای این که روزی بشنیم و درباره کار گپ بزنیتم ابراز تمایل کردم. وقتی نزد او رفتم دیدم او و همسرش الهه واحدی که کمپنلیست درباره نقش‌های من نظر می‌دادند، می‌گفتند بازی‌ات در «کیما» این طور بود، در «شهرزاد» این گونه بازی کردی، در آن سکس بهتر بودی... من هم تعجب کردم که این عزیزان که نابینا هستند چطور متوجه می‌شوند من کدام سکس را بهتر بازی کرده‌ام و چطور فیلم و سریال‌های مرا دنبال کرده‌اند.

حق هم داشتید!

اول رومی نشد سوال کنم اما بعد که دوست شدیم و گپ زدیم گفتیم واقعا شما اینقدر بیگرم هستید و سریال‌ها و فیلم‌ها را می‌بینید؟ گفتند بله، ما فیلم می‌بینیم، همه نلیتیانها فیلم می‌بینند و با همراهی به سینما می‌روند تا برایشان فیلم‌ها را تعریف کنند یا در خانه سریال‌ها را با کمک یک همراه می‌بینند. این شد که من احساس دین بزرگی نسبت به این دوستان کردم که با این سختی و مشقت سینمای ما را دنبال می‌کنند و برخی هم به خاطر سختی‌های سینما رفتن نمی‌توانند به سینما بروند. همان‌طور که ممکن است ما در حالت عادی در سینما هیچ وقت نابینایی را ندیده باشیم اما در سینمای ما نزدیک به ۲۵ نفر مخاطب می‌آید که این تعداد هم به این دلیل است که بیشتر ظرفیت نداریم. بنابراین اشتیاق به سینما از سوی نابینان وجود دارد اما در سینما برای آن‌ها مشکلاتی ایجاد می‌شود. مثلا وقتی همراهشان برایشان صحنه‌های بدون دیالوگ فیلم را تعریف می‌کنند برخی که از نلیتیان بودن آن‌ها مطلع نیستند فکر می‌کنند آن‌ها مشغول حرف زدن هستند و گلابه می‌کنند. بنابراین این موضوع دغدغه بزرگی است. آن‌ها اگر هم بخواهند تنها به سینما بروند که شرایط سخت‌تری می‌شود. به خاطر همین شرایط سخت، در شهر هم آنقدر نلیتیان نمی‌بینیم و ما داریم قدمی برای رفع این معضل برداریم.

از انتخاب «چاره‌شنین‌ها» به عنوان اولین فیلم این طرح بگویید.

بعد از آشنایی من با این عزیزان به فکر طرحی افتادم تا این مشکل را حل کنیم و نابینان به صورت جمعی بتوانند فیلم ببینند. برای فیلم «چاره‌شنین‌ها» نقش همراه نابینا را هم من بازی کردم؛ به این ترتیب که در سکس‌هایی که سکوت دارد و باید تعریف بشود تا نابینا متوجه آن شود من این کار را انجام دادم. به هر حال «چاره‌شنین‌ها» فیلم مهمی در تاریخ سینما است و رگه‌هایی از کم‌دی و طنز دارد که باعث می‌شود جذاب‌تر شود. سینمای مهرجویی هم که اهمیت زیادی دارد و او آدم مهمی در سینمای ایران است.

می‌شود دقیق توضیح بدهید که آماده کردن یک فیلم برای نابینان به چه شکل است؟

به این شکل که ما بخش‌هایی از فیلم که دیالوگ ندارد و نلیتیان نمی‌توانند متوجه اتفاقات شود، به صورت صوتی توضیح می‌دهیم و این توضیحات در استودیو ضبط و میکس شد. سپس در موسسه فرهنگی راش تعداد محدودی از نابینان را دعوت کردیم از جمله منتقدان و علاقه‌مندان نابینای سینما که افراد بلسواد و پیگیری بودند آمدند و کار را تماشا کردند. از این اکران خصوصی بازخورد مثبتی گرفتیم و تصمیم گرفتیم که این روند را برای فیلم‌های روز انجام بدهیم. البته چون این فیلم‌ها حق کپی‌رایت دارند نمی‌توانیم در استودیو کارشان را انجام بدهیم و روند صوتی کردن به صورت زنده انجام می‌شود.

این اتفاق با فیلم «مخرب‌پوست» آغاز شد، درست است؟

بله؛ حبیب رضایی که خودش بازیگر این فیلم بود آمد و به صورت زنده برای مادر سینما چاروسو بخش‌های بدون دیالوگ فیلم را صوتی کرد، اکران این فیلم با استقبال زیادی همراه بود و خیلی از نابینان حضور داشتند. از آن لحظه حرکت ما جدی‌تر شد. اوبسیار عالی کار را صوتی کرد و خیلی خوب از پس این کار برآمد. تیما جاویدی کارگردان و پریناز ایزدیار دیگر بازیگر فیلم هم آمدند و از نلیتیان استقبال کردند و کار شکل رسمی‌تری به خود گرفت.

چه شد که به فکر گسترش کار افتادید و رادیو «سونا» را راه‌انداختید؟

گلاره عباسی از «سونا» به «صبا» می‌گوید

به دنبال مخاطب گمشده سینما



مریم احمدیان گفت و گو

نام گلاره عباسی را چند ماه اخیر با «سونا» شنیدیم؛ طرحی که تملک‌های فیلم و تئاتر را برای نابینان ممکن کرده و برنامه‌های دیگری هم برای این کشور مهم اما دیده‌نشده جمع کرده که ناشی از احساس دین اونست به این مخاطبان گمشده سینماست. بازیگر فیلم و سریال‌های پر مخاطب که آثار شاخصی چون «کیما»، «فس»، «شهرزاد»، «شیار ۱۴۳» و... را در کارنامه دارد. گلاره عباسی در گفت‌وگو با این روزنامه «صبا» از زیر و بم «سونا»، از نحوه شکل‌گیری آن گرفته تا افق پیش روی این گروه سخن گفت.

مثلا بیرون جلسه‌های داشتیم اما این دوستان نمی‌توانستند غذا سفارش بدهند و من باید برایشان از روی منوی خواندم. متوجه شدم که سفارش غذا را به صورت نمادین بریل کردم و آنجا برای سفارش غذا احتیاجی به فرد بینا ندارند. بعد از آن به هر رستورانی می‌رفتم می‌گفتم منوی خود را بدهید تا ما بریل کنیم و این گونه یک جریانی راه افتاد و یکی از آشنایان من سی رستوران و کافه را در تهران قانع کرد منوی بریل داشته باشند. امیدوارم این موضوع به شهرستان‌ها هم برسد.

چطور به اسم «سونا» رسیدید؟

بعد از این دو اکران خیلی از نابینان به ما می‌گفتند تکلیف ما که در شهرستان هستیم چیست؟ چرا همه امکانات برای تهرانی‌هاست. این شد که تصمیم گرفتیم بخش سراسری داشته باشیم و از یک رادیو اینترنتی استفاده کنیم. من با نلیتیان بسیار توانمندی سر و کار دارم. با نلیتیان هم مصاحبه کردیم و این گونه به خاطر نلیتیان شهرستان‌ها حرقه سایت و رادیو هم زده شد.

باز هم به فکر گسترده‌تر کردن کار هستید؟

طی این مدت، دوستان نابینایی پیدا کردم که حالا باهم صمیمی شده‌ایم و به واسطه آن‌ها به دغدغه‌های دیگر بچه‌های نابینا پی بردم.

طی جلسه‌هایی نشستیم تا برای گروه اسم تعیین کنیم، اسم‌های مختلفی هم به ذهنمان رسید و بهترین پیشنهادی که خود نابینان دادند «سونا» بود که یعنی «سینمای ویژه نابینان». این برتر در اداره ثبت هم به ثبت رساندیم.

کاری که انجام می‌دهید نمونه خارجی هم دارد؟

در خارج از کشور، کارهایی برای نابینان به شکل‌های دیگری انجام شده است. اما نمونه حرکت جمعی ما را سراغ ندارم. به هر حال ما باید همه چیز را برای نابینا دسترس پذیر کنیم. تا به حال راه درست و اصولی رفتیم تا فیلم‌ها را بدون همراه برای آن‌ها صوتی کنیم. به هر حال طیفی از نابینان سینما را دوست دارند و آن‌ها هم احتیاج به تفریح دارند.

این پروژه حمایتی هم داشته است؟ از سختی‌های رساندن «سونا» به این مرحله بگویید.

همیشه وقتی می‌خواهی کارهایی به این شکل انجام بدهی بار عجب قضاوت رویت سنگینی می‌کند. این که نکند کار ناموفق باشد، نکند دارم کار احمقانه‌ای انجام می‌دهم، نکند از استقبال نشود یا به درد نخورد و... این حرکت به ریسک پذیری، ثابت قدمی و پشتکار احتیاج دارد و من فکر می‌کردم به صدای درونی ام گوش بدهم که این کار درست را انجام بدهم. اوایل که موضوع را مطرح می‌کردم کسی جدی نمی‌گرفت اما بعضی از دوستان خیلی کمک کردند. روز اول برای من خیلی مهم بود و استقبال نابینان خوشحالم کرد و فهمیدم داریم درست جلو می‌رویم. فیلم با صدای خودم صوتی شده بود و من کنار سالن، گوشه‌های ایستاده بودم و منتظر بودم ببینم واکنش درست می‌گیرم؟ آیا تکه‌هایی که مخاطبان باید بختند را درست منتقل کردم؟ وقتی فیلم هم شروع شد همه فکر می‌کردند شاید این کار ادامه پیدا نکند چون سختی‌های زیادی دارد. خوشبختانه سینما چاروسو بسیار زیاد با ما همراه بود و این که ملای یک بار یک سالن سبصد و پنجاه نفره داشته باشیم اتفاق بزرگی است به ویژه که ما اسپانسر هم نداریم. سینماها باید برای نابینان دسترس پذیر باشند و من هر بار کارکنانی می‌گذارم که قدم به قدم آن‌ها را راهنمایی و کمک کنند و کار سختی‌های خودش را دارد.

جدای این کار را دارید بدون اسپانسر جلو می‌برید؟

بله؛ هیچ اسپانسری برای کار نپذیرفتم، چون ممکن است بحث‌هایی پیش بیاید، بنابراین بیشتر از رفاقت‌هایم استفاده کردم و این که دوستان هنرمند من در برنامه‌های «سونا» شرکت می‌کنند خیلی ارزشمند است. اگر کسی که این روابط را نداشت باید هزینه بسیاری برای این طرح می‌شد. هزینه‌هایی این وسط وجود دارد که خودم انجام می‌دهم و برایم مهم نیست. من دارم در این سینما کار می‌کنم و بخشی از درآمد را برای این کار گذاشته‌ام. به هر صورت طوری می‌گذرد و نمی‌خواهم اسپانسر داشته باشم چون نمی‌توانم پاسخگوی این باشم که بول از کجا آمده و چقدر آن هزینه شده و... از این کارهای مالی سر در نمی‌آورم و ترجیح می‌دهم بحث پول و اسپانسر وسط نیاید و تا جایی که توان دارم جلو می‌روم.

از سوی دیگر اعتماد کردن نابینان، آمدن و شرکت کردنشان و این که بدانند تو اسپانسر نداری مهم است. این که بدانند نمی‌خواهی از این برنامه سوءاستفاده کنی، هیچ هدف عجیبی پشت این کار نیست و فقط می‌خواهی فرهنگ را ارتقا بدهی. از سوی دیگر به هیچ انجمن و گروهی وابسته نیستی و صادقانه دلت می‌خواهد این کار را جا بویبری، فقط چون سینما برایت مهم است و معتقدی سینما یک مخاطب گمشده به نام نابینا دارد و من وظیفه‌ام این است که این پیوند را ایجاد کنم. در وهله اول توضیح این موضوع قدری سخت بود.

شماره این مسیر به کم هم راضی نشده‌اید و همزمان پروژه را از چند سو گسترش داده‌اید، درباره سایت هم تا یادم نرفته سوال کنم.

وقتی می‌خواستیم سایت را راه‌اندازی کنیم سختی‌های دیگری جلویم ایستاد، به هر حال ما باید سایتی درست می‌کردیم که اپلیکیشن‌های نابینان بتواند آن را بخواند. با یک گروه آی‌تی همکاری کردیم تا سایتی دسترس پذیر برای نابینان را ایجاد کنیم و این سایت با بارگذاری ویدئویی که شهاب حسینی در زمان اکران «اشغال‌های دوست‌داشتنی» در سفر برای نلیتیان ضبط کرده بود، آغاز به کار کرد.

حرف پایانی؟

ما به مشارکت هنرمندان احتیاج داریم، این که فایل صوتی تئاتر‌ها بعد از پایان اجرا در اختیارمان قرار بگیرد اتفاق خوبی است. فیلمسازان در جلسه‌هایمان شرکت کنند و مثل همه اکران‌های مردمی با اکران‌های «سونا» برخورد کنند تا به بچه‌های نابینا خوشامد بگوییم. امیدوارم بتوانیم با اجازه متولیان کتاب صوتی، قصه‌های آن‌ها در قصه شب بخوانیم و یاری اجتماعی می‌طلبیم. اشتغال‌زایی برای هنرمندان نابینا هم اتفاق مهمی است که امیدوارم برای تحقق آن به ما کمک شود.